

- * قرآن کریم در احتیاط بارست پرستگار و مکشی خود ایشان را داشت که بایس برآوردن من تنظیم و مردم اند.
- * آنرا بخوبی مخفی نگذشت قرآن کریم برداشت کیم و میتوانست گیری داشته باشیم؟ بدین ترتیب اینکه تعادل رعایت شود تعامل برقرار کردن بعیت قبل و بعد از هم نگاه کنیم بقیه جاها را ممکن نگه داشیم بعین شکل امتحان آری «وعلی العصافین» را نیزیم. مانندلاً کوچک حجم حجر و احتیاط را باری کنم کی قدر این محتفه باشد «وما رست از رست» «وابا آنکه «کل عصاف» کنت.
- * از این فقط - کی نگاه کنیم مکن است مکر کنم با حیر محض است با احتیاط محض. کمی که این خواهد تفسیر کنند باید بکل قرآن اشاره داشته باشد. در قرآن تعامل داریم. در دولایات حتم تعامل حتم تراجیع. تراجیع بعین ترجیح دادن حریزی در دیگری در قرآن ترجیح نداریم. ساید گلکویم یک آینه به تجھی از این نثار را با قابل استفاده نهیست.
- * تربیت مردم ای قرآن: برای حرام اعلام کردن شراب، استاد «ولاتر را الصلوة والتر را حکای» سین اعلام و مت. برای استفاده لازم آن ای حمامی نداشتم حکم شراب والز دیگر در بیان و فرم زیرا حکم کلی آن آنده است. اما در این تربیتی کی ترقیات است مکنی دیگر در دولایات این است که رسی از راعی دارد. رسی حمام رسی قدرت رسی شهوت. غنی ترین غاز خواهی بگیرد است این سعادت را نباش.

نبوت عالم: سماجیت که به کامی بسایرین سرچش میشود.
نبوت خاص: سماجیت که مخصوص بسایر عخاص است.

نبوت عالم → ۱) **خطی:**

۱) **هزارت و حسن بعضی بسایرین:** بعضی معمونیت های هزارت دارد این حسن بعضی معتقدند حرب است.

هزارت بعضی بعین برای حدایت لازم است خداوند بسایرین را معرفت کند. حسن بعین هم برایت است. فرق بین های است که اگر اینجا نژاد و صوری باشد حق معاون خود داریم. اما وقتی حسن است و حقی اینجا نژاد حقی نداریم زلای که رسی می آید این است که دنای ایمان ندارد اصلًاً سیاست شدم؛ حق بعضی اینجا می گویند بعضی است.

۲) **ملأک صفت ادعای بسایرین:**

۳) **درگی های بسایرین:** علم و عصمت و میغز